

شناخت خبرگزاریها که تحقیقاً عمده‌ترین بخش از اخبار رویدادهای جهان در حال توسعه را پخش می‌کنند، اصلی‌ترین بحث در باب نابرابری موجود در جریان اطلاعات است. از سوی دیگر، آثار و نموده‌های بین‌المللی خبرگزاریها را هم نمی‌توان بدون قرار دادن مسئله در یک بافت اقتصادی، مورد بررسی قرار داد. در واقع، فشاری که برای ایجاد نظم اطلاعاتی بین‌المللی پدید آمد، تنها پس از پیشنهاد کشورهای در حال توسعه مبنی بر ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی مطرح شد که خواهان توزیع مجدد ثروت بود. شواهد آماری که سازمان ملل و مؤسسه‌های وابسته به آن گردآوری کرده‌اند، مؤید وضعیت درجه دوم- و حتی پایین‌تر- کشورهای نوپاست. تا سال ۱۹۶۴ کشورهای نوپا تصمیم گرفتند به صورت گروه فشار واحدی متشکل شوند، با این هدف که به تولید و تجارت بین‌المللی صورتی جدید بدهند. در اجلاس سال

۱۹۶۴ کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل: آنکتاد^۱، کشورهای یاد شده گروه ۷۷ را به عنوان نوعی ابزار فشار به وجود آوردند. پس از یک دهه، این گروه که تعداد اعضای آن اکنون به ۱۲۰ کشور می‌رسد- اما هنوز نام گروه ۷۷ را حفظ کرده است-، خواهان نظم نوین اقتصاد بین‌المللی بود که بتواند در اصلاح نابرابری موجود در قدرت اقتصادی که میراث دوران استعمارگری به شمار می‌رود، مؤثر واقع شود. با توجه به اینکه کشورهای کمتر توسعه یافته، فقط ۷ درصد تولیدات صنعتی جهان را در اختیار دارند، هدف آنها این بود که تا پایان قرن بیستم، این نسبت را به ۲۵ درصد برسانند. در بهار سال ۱۹۷۴، لزوم ایجاد نظم نوین اقتصاد بین‌المللی در جلسه ویژه‌ای در سازمان ملل متحد مطرح شد، و در یک جلسه رسمی که در پاییز همان سال تشکیل شد، اعضای این سازمان، منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت را رسماً پذیرفتند. این منشور، با آنکه

1. UNCTAD

تمام خواسته‌های مطرح شده در نظم نوین پیشنهادی را در بر نمی‌گرفت، اما در بسیاری از موارد به این خواسته‌ها بسیار نزدیک شد. به علاوه، کشورهای کمتر توسعه یافته، خواهان ایجاد یک سیستم ارجحیت تجاری بودند که در آن، صادرات کشورهای در حال توسعه نسبت به تولیدات کشورهای صنعتی از مزیت رقابتی برخوردار بود. همچنین این کشورها تأکید داشتند که ملل صنعتی، منابع گوناگون مورد نیاز کشورهای کمتر توسعه یافته را برای ایجاد رقابت مؤثر در بازار بین‌المللی از طریق اعطای وام و امتیاز، و انتقال تکنولوژی فراهم کنند. گروه ۷۷ در تقویت و تثبیت پیمانهای مربوط به کالاهای اساسی و مکانیسمهای جهانی تنظیم فعالیت‌های درون مرزی شرکت‌های فوآملیتی، به موفقیت چندانی نایل نشد. این گروه، به ویژه می‌خواست انتقال منابع را از ملل صنعتی به کشورهای نوپا، با پیمانهای بین‌المللی و چند ملیتی تضمین کند، نه کمک مستقیم کشورهای مختلف. ایالات

خبرگزاریها و امپریالیسم فرهنگی

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پروفسور جی. هربرت آلتشول

ترجمه مارلین آرین

● بسیاری از کشورهای در حال توسعه،

خبرگزاریها را به عنوان عامل بسیار مهمی در حفظ و افزایش

نابرابری قدرت،

چه در عرصه‌های اقتصادی و چه در زمینه اطلاعات،

شناخته اند.

این مقاله، ترجمه‌ای است از:

J. Herbert Altschull, "The News Agencies and Cultural Imperialism", in: *Agents of Power*, New York: Longman, 1984, pp. 219 - 230.

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

متحدّه به طور مشخص مانع پی‌ریزی برنامه کمک چند ملیتی شد. اختلافاتی که بر سر این موضوع مطرح شد، وضعیت بخرنج و دشواری راه هم در مباحث تشکیلات نوین اقتصادی و هم در نظم نوین پیشنهادی مربوط به اطلاعات بین‌الملل، ایجاد کرده است. این امر ضروری است که اقدامات جهانی در حال توسعه را برای اصلاح نابرابری جهانی در قدرت اقتصادی و کنترل اطلاعاتی، به عنوان جزوی از یک مبارزه واحد قلمداد کنیم، چرا که این اقدامات، از هم جدایی ناپذیرند. محور اصلی این مباحثه‌ها، خبرگزاریها بوده و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، آنها را به عنوان عامل بسیار مهمی در حفظ و افزایش نابرابری قدرت، چه در عرصه‌های اقتصادی و چه در زمینه اطلاعات، شناخته‌اند. همان طور که گفته شده: «اطلاعات، به مثابه قدرت است»، خبرگزاریها، اغلب ابزار اصلی تبلیغات به شمار می‌روند و تصاویر نادرستی از وضعیت کشورهای نوپا ارائه می‌کنند. از این رو، پایه‌های سرمایه‌گذاری و حمایت از این کشورها را سست کرده و در نهایت، آنها را - اگر نه در حالت بردگی - در وضعیت زیر سلطه و تابع نگاه می‌دارند. این مسئله، در حکم یک اعلام جرم شدیداللحنی است که به بررسیهای دقیق نیاز دارد.

اتهام «امپریالیسم رسانه‌ای» که در حکم شعار منتقدان خبرگزاریها بود، اساس و پایه تاریخی محکمی دارد. خبرگزاریهایی که در قرن نوزدهم شارل هاواس در فرانسه، پل ژولیوس رویتر در انگلستان، و برنارد ولف در آلمان تأسیس کردند، درست همانند جارچینی بودند که تصمیمات دادگاههای روم باستان را اعلام می‌کردند. خبرنگاران هاواس، رویتر، ولف، در سرتاسر مستعمرات پراکنده می‌شدند تا از مناطقی که زمینه‌دار گرفتن امتیازهای مالی سودآور برای تاجران بی‌پروا بودند، کسب خبر کنند. کشورهای اروپایی در این مناطق از منافع بسیاری برخوردار بودند. از این رو، بریتانیا و فرانسه و آلمان برای جلوگیری از بروز

رقابتهای غیر اصولی در این زمینه، طی پیمان اتحاد خبرگزاریها در سال ۱۸۶۹، جهان را به حوزه‌های زیر نفوذ خود تقسیم کردند. طبق این تقسیم‌بندی، کشورهای زیر سلطه امپراتوری بریتانیا و کشورهای خاور دور به رویتر، امپراتوریهای اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، و پرتغال به هاواس، و سرزمینهایی که استرالیا، آلمان، کشورهای اسکاندیناوی و روسیه تصرف کرده بودند، به ولف واگذار شد. و بر حسب همین پیمان بود که سرانجام هاواس نقش حاکمی را در سرتاسر آمریکای لاتین به دست آورد. خبرنگاران بی‌باک این خبرگزاریها، در کنار همکارانشان که در استخدام روزنامه‌های امپراتوری کبیر بریتانیا، به ویژه روزنامه تایمز لندن بودند، برای تهیه گزارش مثل مأموران مخفی «جهان متمدن» به همه جا سر می‌زدند و در این راه، به منابع نامحدودی از یک نمایش عظیم و باشکوه دست یافتند: جنگها و نبردهای منظم، مذهبهای بیگانه و رسمهای عجیب، جنگلها و کوهها، وحشیان و بت پرستان، بیماری و انقلاب. مخاطبان رسانه‌ها که در قرن نوزدهم پا به عرصه گذاشتند، از این گزارشها با علاقه بسیار استقبال کردند و اشتیاق خود را برای دریافت هرچه بیشتر گزارشهای خبری جالب و مهیج نشان دادند. مستعمره‌نشینان بریتانیایی و فرانسوی، و همچنین جمعیت بومی این مناطق، بخش عمده خبرهای خود را از کشور میزبان، و از طریق گزارشهای تلگرافی رویتر و هاواس دریافت می‌کردند. برای سازگاری و همنوایی مستعمره‌ها، هیچ نیرویی قدرتمندتر از خبرگزاریها نبود. باری، تأثیر بسزای این خبرگزاریها در درک و تصور بومیان از دنیای خارج، هنوز به قوت خود باقی است، و این در واقع یکی از مواردی است که در اعتراض علیه امپریالیسم رسانه‌ای مطرح شده است. خنده‌دار این است که تبلیغاتی‌ترین مبارزه‌ای را که در باب امپریالیسم رسانه‌ای علیه خبرگزاریهای اروپایی برپا شده است، کسی جز آسوشیتدپرس - که اکنون به عنوان

سمبل امپریالیسم رسانه‌ای شناخته می‌شود - به راه نینداخت. ایالات متحده در سال ۱۸۶۹، یعنی زمانی که پیمان اتحاد خبرگزاریها به امضا رسید، قدرتی فرعی بیش نبود. به سال ۱۹۸۳ آسوشیتدپرس موافقت کرد تا به کارتل اروپایی بپیوندد، و به این ترتیب، حق پخش خبرهای رویتر، هاواس، ولف را در ایالات متحده به دست آورد. اما با این حال، مجاز به ارائه سرویس خبری خود در خارج از مرزهای ایالات متحده نبود. در سال ۱۹۱۲، آسوشیتدپرس در صدد برآمد که دامنه فعالیت خود را تا آنجا که ساکنان آمریکای شمالی آن را زیر نفوذ ایالات متحده به شمار می‌آوردند، گسترش دهد، و منظور آن، نفوذ در کشورهای آمریکای لاتین بود. با آنکه برخی از روزنامه‌های آمریکای جنوبی دست به مبارزات فعالانه‌ای به نفع گزارشهای خبری آسوشیتدپرس زدند، اما هاواس که در آمریکای لاتین امتیاز انحصاری خاصی داشت، از پذیرش آن خودداری کرد. کنت کوپر، مدیر کل با سابقه آسوشیتدپرس، با یادآوری این وضعیت پس از چند سال می‌نویسد: «این واقعیت به قدر کافی ناخوشایند است که هاواس، که یک خبرگزاری فرانسوی کوچک و تحت حمایت دولت بود، توانست از ارسال خبرهای آسوشیتدپرس عظیم به آمریکای جنوبی جلوگیری کند. اما این نکته که آسوشیتدپرس قادر به ارسال خبرهای کشورمان به سرتاسر جهان نبود، واقعیتی است که موجب حیرت من می‌شد».

هنگامی که این مباحثه‌ها در یونسکو جریان داشت، این آسوشیتدپرس بود که تفسیر خبرها را به سرتاسر جهان در حال توسعه و نیز به خبرگزاریهای نوپا در کشورهای بی‌قدر که قادر به فراهم کردن امکانات مالی مورد نیاز برای ارسال اخبار کشور خود به دیگر نقاط جهان نبودند، ارائه می‌کرد. کارتل اروپایی در سال ۱۹۳۴، در نتیجه تلاشهای خستگی‌ناپذیر کوپر و با همکاری علنی دولت آمریکا شکست خورد. در آن

زمان، سمت و سوی مبارزه کوپر، مستقیماً علیه رویتر بود. «زیرا رویتر بود که تصمیم می‌گرفت چه خبرهایی را از آمریکا بفرستد. جهانیان را در جریان اخبار مربوط به سرخپوستان در جنگ غرب، اعدامهای بدون محاکمه در جنوب و جنایات وحشیانه در شمال قرار می‌داد. اتهامی که در طول دهها سال مطرح می‌شد این بود که هیچ نوع خبری که بتواند موجبات سرفرازی یا اعتبار آمریکا را فراهم آورد، فرستاده نمی‌شد.»

سخنان کوپر در انتقاد از رویتر، شباهت حیرت‌انگیزی به مباحثی داشت که پس از نیم قرن در جهان در حال توسعه در مورد آسوشیتدپرس طرح می‌شد. از نظر کوپر، رویتر وسیله‌ای بود که با گزارشهای خبری خود، مسئولیت الحاق انحصاری متعلقات بریتانیا را به آن کشور بر عهده داشت. او با بیانی پُر آب و تاب‌تر می‌افزاید:

«خدمتی که رویتر از این لحاظ به بریتانیا کرده است، بسیار بیشتر از نیروی دریایی عظیم انگلستان بود که حاکم دریاها بود و بزرگتر از کشتیرانی آن کشور بود، که پیشرو تجارت جهانی به شمار می‌رفت.»

آتهایی که در دهه ۱۹۷۰ سخن از امپریالیسم رسانه‌ای به میان آوردند، بیان مشابهی را برای محکوم کردن گزارشهای خبری آسوشیتدپرس به کار بستند. البته گفتنی است که آسوشیتدپرس هرگز ابزار علنی امپریالیسم آمریکا محسوب نمی‌شد، بلکه در واقع از آغاز فعالیت، خود را بنگاه بی‌طرف و معتبر جمع‌آوری و گزارش خبر معرفی می‌کرد و همان‌طور که همه جا گفته می‌شد، «خبرها را همان‌طور که می‌دید نشان می‌داد». این عقیده، ناشی از رسوم و عقایدی بود که بر آسوشیتدپرس سایه افکنده بود و درحال حاضر نیز پابرجاست. با این حال، مشارکت تمام و کمال روزنامه‌نگاران این خبرگزاری با نظام اعتقادی آمریکا، به اندازه مشارکت روزنامه‌نگاران رویتر و هاواس در قرن نوزدهم بود و به قول آنتونی اسمیت،

روزنامه‌نگاران در صدد «پیروی از پرچم» برمی‌آمدند.

پیشرفت سریع خبرگزاریهای ایالات متحده که به دنبال مبارزات موفقیت‌آمیز کوپر حاصل شد، آنها را به سوی صف مقدم فعالیت‌های خبری سوق داد. در دهه ۱۹۵۰، یعنی زمانی که جهان مستعمراتی رو به نابودی بود، آسوشیتدپرس و یونایتدپرس (که حاصل ادغام یونایتدپرس اسکریپس هوارد و مؤسسه آی ان اس هرست بود) به رویتر و آژانس فرانس پرس که جانشین هاواس محسوب می‌شد، ملحق گشتند و در کنارهم، در حکم قدرتهای حاکم در اخبار بین‌المللی بودند. کلیشه‌هایی که تصاویر جهان خارج را منعکس، و ذهن هر مرد و زنی را به خود مشغول می‌کرد، از چهار خبرگزاری بزرگ سرمایه‌دار به اطراف و اکناف جهان فرستاده می‌شد. این خبرها، بدیهی‌ترین اجزای اطلاعاتی جهان خارج را در اختیار رهبران باسواد جهان در حال توسعه قرار می‌داد. اما این افراد، از خواندن مطالب فرستاده شده اظهار رضایت نمی‌کردند. از نظر آنان، تصاویر تهیه شده، از صحت و دقت، بی‌بهره، و حاکی از تسلیم و تمکین بودند. این تصاویر، به دست گروهی از افراد خودبین ترسیم شده بودند که نگرشی محدود و نژادپرستانه داشتند و به طور عمد یا غیر عمد، در پی اجرای دستورهای اربابان خود برمی‌آمدند. تعجبی ندارد که چهار خبرگزاری بزرگ سرمایه‌دار، هدف شماره یک اصلاح طلبان مطبوعات جهان در حال توسعه به شمار می‌رفتند. اگرچه گاهی اوقات، خبرگزاری تاس نیز در جرگه این خبرگزاریها قرار می‌گرفت، لیکن تیراژ آن در کشورهای درحال توسعه محدود بود و در ضمن، نمود چندانی نیز نداشت. تاریخچه این خبرگزاریها، از نظر رهبران کشورهای درحال توسعه به خوبی شناخته شده بود و در ضمن، نظریه‌پردازان مطبوعات جهان در حال توسعه هم به خوبی از نقش این خبرگزاریها به عنوان عاملان امپریالیستهای قرن نوزدهم آگاه

● از نظر مخالفان سرمایه‌داری،

کارکرد اطلاعاتی

خبرگزاریها،

پرده‌ای است که عملکرد واقعی آنها

را از نظر مخفی می‌دارد

و آن، تبلیغ شیوه زندگی

دردنیای سرمایه‌داری

و ایجاد تمایل به خرید و مصرف

تولیدات

کشورهای سرمایه‌داری است.

بودند.

در آغاز مباحثه‌های یونسکو، واکنش روزنامه‌نگاران جامعه سرمایه‌داری بسیار خصومت‌آمیز بود. آنان چنین می‌پنداشتند که جلسه‌های تحت حمایت یونسکو را کرملین هدایت می‌کند و صرفاً نمایانگر تلاش دیگری است که اتحاد جماهیر شوروی برای یافتن متحدانی در میان کشورهای نوپا، و همچنین تضعیف قدرت کشورهای سرمایه‌دار جهان در حال توسعه انجام می‌دهد. سازمان سردبیران و ناشران، نه تنها اعتراضات علیه مطبوعات آزاد، بلکه خود یونسکو را هم محکوم کرد. انجمن مطبوعات داخلی آمریکا^۲ در سال ۱۹۷۶ اعلامیه‌ای را منتشر، و در آن ادعا کرد که منشأ مخالفت با آزادی مطبوعات در آمریکای لاتین، نه تنها اقدامات محدود کننده برخی از دولتهاست، بلکه به واسطه تهدیدهای «سازمان جهانی است» که در آن، دولتهای طرفدار استبداد، دموکراسی غربی را همواره مردود می‌شمارند».

(واژه غربی در عبارت فوق، جالب توجه است و ظاهراً به بعضی از کشورهای سرمایه‌داری اشاره دارد، نه به کشورهای که صرفاً در غرب جغرافیایی قرار دارند. از این رو، ژاپن و استرالیا و گاهی آفریقای جنوبی را نیز شامل می‌شود. کشورهای پیرو غرب در آمریکای لاتین نیز دایره شمول این واژه قرار می‌گیرند. لیکن در این میان، کشورهایی که با ایالت متحده و متحدانش مخالفت می‌کنند، خارج از این دایره‌اند. از آنجا که حدود و وسعت معنایی این واژه غیر قابل درک است، لذا ما این کشورها را کشورهای سرمایه‌داری یا صنعتی یا کشورهای دارای اقتصاد بازار می‌نامیم. به یک تعبیر نسبتاً شاعرانه، می‌توان این کشورها را «جوامع اطلاعاتی» قلمداد کرد.)

سازمانهای دیگری هم در بیان این انتقاد، با انجمن مطبوعات داخلی آمریکا همصدا شدند که از این میان، می‌توان به مؤسسه مطبوعات بین‌الملل (آی پی آی)^۳ و فریدام

2. Inter American press Association (IAPA)
3. International Press Institute (IPI)



هاوس^۴ اشاره کرد. مؤسسه دوم، متشکل از گروهی از مقامات مطبوعاتی داوطلب بود که اعتراضات علیه آزادی مطبوعات را نظارت و پیگیری می‌کردند. از طرف دیگر، روزنامه‌ها نیز یونسکو را محکوم، و غالباً از خبرگزاریها حمایت می‌کردند و آنها را گزارشگرانی می‌دانستند که نسبت به رویدادهای جهان در حال توسعه بی‌طرف بودند.

باری، تا تشکیل بیستمین کنفرانس عمومی در سال ۱۹۷۸، تغییراتی به وقوع پیوست. از آن جمله، مسئله ناکافی بودن چهار خبرگزاری و ضعفهای آنها، مورد توجه و پذیرش کلی تر قرار گرفت. به نظر می‌رسید که جهان سرمایه‌داری در پی آن بود که در مورد رسانه‌های خبری، از همان شیوه سنتی استفاده کند. درست همان‌گونه که روزنامه‌های سنتی در دهه ۱۹۶۰، مطبوعات زیرزمینی را در کنار خود پذیرفتند، صنعت اخبار نیز اعتبار موضوع

حملائی را که متوجه خبرگزاریها بود، به رسمیت شناخت. چنین گفته می‌شد که خبرگزاریها در گزارش رویدادهای دولتهای ملی جدید، ضعیف عمل می‌کردند. این خبرگزاریها، مطالب بسیاری در مورد جنگ و انقلاب، طاعون و قحطی و زلزله و کشتار ارائه می‌دادند. اما اعتقاد بر این بود که خبرنگاران خبرگزاریها، باید در گزارشهای خود جا و زمان بیشتری را برای روندهایی که به آرامی در حال تکامل بودند، واقعیتهای پشت پرده- و حتی «اخبار توسعه»- اختصاص دهند. به علاوه، روزنامه‌نگاران می‌بایست بیش از پیش از زندگی روزمره میلیونها نفر از ساکنان گمنام جهان در حال توسعه، گزارش تهیه کنند. گفته می‌شد که در انجام این امر، ضعفهایی وجود دارد، لیکن قوتهایی نیز دیده می‌شد. چرا که روزنامه‌نگاران خبرگزاریها، جان خود را برای پی بردن به حقایق، و گزارش آن به خوانندگان و بینندگان، به خطر می‌انداختند. از آنجا که این روزنامه‌نگاران در کار خود

4. Freedom House



تخصص و مهارت داشتند، هیچ کاری بهتر از کمک به خبرنگاران جوان کشورهای در حال توسعه و تعلیم فنون صحیح روزنامه‌نگاری به آنان نبود. تکنولوژی و علم، جوابگوی اعتراضاتی بود که در مباحثه‌های یونسکو مطرح می‌شد.

اتهام امپریالیسم رسانه‌ای که دستاویزی برای گروهی از خبرنگاریها بود، رد شد. همان‌طور که اولیور بویدبارت ضمن بر شمردن سیر تحول مطبوعات، بیان داشت، تأکید بر مسئله امپریالیسم رسانه‌ای که در دهه ۱۹۷۰ بر بحثها احاطه داشت، در دهه ۱۹۸۰ تا حد زیادی کنار گذاشته شد؛ با این حال، از اهمیت خبرنگاریها - به عنوان منابع سازنده تصاویر ذهنی - به هیچ وجه کاسته نشده است. اکنون که حرارت بحث خبرنگاریها تا حدودی فروکش کرده است، بهتر آن است که این مسئله به دقت بررسی شود. دو طرف این بحث، در مورد ماهیت دقیق اختلافات خود راه به جایی نبرده‌اند. این مجادله، از یک سو، جنبه اقتصادی دارد

و نقش خبرنگاریها را در گشایش بازاری برای کالاهای ساخته شده مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این زمینه توافق زیادی وجود ندارد. چراکه از نظر مدافعان سرمایه‌داری، خبرنگاریها ابزار اطلاعاتی هستند، نه وسیله گسترش اقتصادی. آنها به پیروی از سنت دیرینه مطبوعات، در صدد کشف حقایق و ارائه آن به خوانندگان و بینندگان هستند. این تلاش، به نحوی است که موجبات علاقه و آموزش آنان را فراهم می‌آورد. مخالفان این گروه، معتقدند که کارکرد اطلاعاتی خبرنگاریها، پرده‌ای است که عملکرد واقعی آنها را از نظر مخفی می‌دارد و آن، تبلیغ شیوه زندگی در دنیای سرمایه‌داری و ایجاد تمایل به خرید و مصرف تولیدات کشورهای سرمایه‌داری است. به طور خلاصه، این خبرنگاریها حکم بوقهای تبلیغاتی صاحبان سرمایه را دارند. البته مدافعان خبرنگاریها، توجه زیادی به این جنبه از مباحثه نشان نداده‌اند.

بحث مورد نظر، به لحاظ ایدئولوژیکی هم مطرح می‌شود. منتقدان، خبرنگاریها را متهم به ارائه گزارشهای متعصبانه و گرایشی می‌کنند. از نظر آنان، تصاویری که این خبرنگاریها به دست می‌دهند، کاذب، و محصول نظم اجتماعی بیگانه‌ای است. و باعث این امر، عدم انعطاف در نظام اعتقادی روزنامه‌نگاران است که آن چنان به تمجید و تحسین هر چیزی نوین و مدرنی می‌پردازند که نمی‌توانند به ارزش مسایل سنتی پی ببرند. آنها که خبرنگاریها را محکوم می‌کنند، معتقدند که بخشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری، علناً نژادگراست. هر آنچه که سفید است، خوب و بدیع، و هر آنچه که سیاه (قهوه‌ای یا زرد) است، ضعیف و منسوخ است. از نظر آنان، این ایدئولوژی منبعث از مسیحیت است، تا بدانجا که ارزیابی عقاید مذهبی دیگر، به ویژه اسلام، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مدافعان خبرنگاریها، این گفته‌ها را تکذیب می‌کنند و دلیل می‌آورند که حقیقت و بی طرفی، راهنمای خبرنگاران خبرنگاریهاست. با آنکه بحث اختلافات

ایدئولوژیکی، امروزه دیگر جنجال سابق را ندارد، اما در زمینه حل و فصل اختلافات موجود، هنوز پیشرفت زیادی حاصل نشده است.

در سطحی دیگر، چنین مباحثاتی، حرفه‌ای یا مربوط به تعریف خبر است. از نظر منتقدان کشورهای در حال توسعه، موضوعات نمایشی و تعارضی برخبرگزارها احاطه دارند و خصوصیتی تحریف‌شده به خبرهای گزارشی می‌دهند، به طوری که دیگر ارتباطی بین خبر و واقعیت به چشم نمی‌خورد. اعتقاد به اصالت احساس که ویژگی گزارشهای رویتر و هاواس در قرن نوزدهم بود، همچنان مشخصه روزنامه‌نگاری اواخر قرن بیستم در مورد رویدادهای آفریقا و آسیا و حتی آمریکای لاتین به شمار می‌رود. تأکید بر کنشها، تعارضها و اخبار منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه، موجب می‌شود که الگوهایی که شیوه زندگی در جهان در حال توسعه را کم‌کم آشکار می‌سازند، به طور عمده نادیده انگاشته شوند. گفته می‌شود این جریانات هستند که رویدادهای مهم به شمار می‌روند، نه اخبار داغ، و از این رو، از مراحل مختلف رویدادها چشم پوشی می‌شود. روزنامه‌نگاران دنیای صنعتی، در برابر این اعتراض، به خطای خود اقرار می‌کنند، اما استدلال می‌کنند که جستجو و پیگیری مسایل نمایشی و تعارضی، در حکم فعالیت متعصبانه علیه جهان در حال توسعه نیست، بلکه به گفته آنان، به منزله تبعیت از بازار و ارائه موضوعاتی است که خوانندگان می‌خواهند. به علاوه، تأکید بر مسایل نمایشی و تعارضی، خصوصیتی است که هم در گزارشهای ارائه شده از کشور مادر و هم در گزارشهای تهیه شده از کشورهای در حال توسعه، به چشم می‌خورد.

می‌توان به این نکته پی برد که اختلافهای موجود در دیدگاههای مخالفان و مدافعان خبرنگاریها، حتی در مواردی که ظاهراً به توافق می‌رسند، به قوت خود باقی

می‌ماند. هر یک از دو طرف سباحته، ارزیابیهای خود را کاملاً واقع‌گرایانه می‌پندارد، اما این واقع‌گرایی، بر پایه جهان‌بینی خاص صاحبان آن عقیده قرار دارد. این بدان معنا نیست که روزنامه‌نگاران کشورهای در حال توسعه به مسایل نمایشی و تعارضی توجهی نمی‌کنند، بلکه آنان نیز همانند روزنامه‌نگاران آمریکایی یا اروپای غربی، دید هشیارانه‌ای نسبت به این قبیل مسایل دارند. لیکن تفاوت موجود، در این واقعیت است که شدت و میزان علاقه روزنامه‌نگاران کشورهای در حال توسعه به این موارد، کمتر از توجه همکارانشان در کشورهای صنعتی است. البته این طور نیست که در ایالات متحده و اروپای غربی نمی‌توان روزنامه‌نگارانی یافت که به روند پیشرفت تدریجی این امور علاقه‌مند نباشند. با آنکه هیچ کس اطلاع دقیقی از درصد خبرهای جهان که خبرگزاریها پخش می‌کنند، در دست ندارد، اما روشن است که بخش عمده اطلاعاتی را که رسانه‌های خبری در مورد مسایل جهان به دست می‌دهند، خبرگزاریها تهیه می‌کنند، به ویژه چهار خبرگزاری بزرگ. با آنکه روزنامه‌های معتبر، مجله‌های خبری و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، روزنامه‌نگاران خود را در کشورهای خارج مستقر می‌کنند، اما تعداد آنها در مقایسه با خبرنگاران خارجی این خبرگزاریها، ناچیز است.

در یکی از مجموعه‌هایی که اخیراً یونسکو منتشر کرده، فهرستی از خبرنگاران مقیم خارج خبرگزاریها به دست داده شده است. طبق این فهرست، آسوشیتدپرس ۵۵۹ خبرنگار دارد، یونایتدپرس ۵۷۸ خبرنگاران، خبرگزاری فرانسه ۱۷۱ خبرنگار (به همراه ۱۲۰۰ خبرنگار نیمه وقت)، و رویتر ۳۵۰ خبرنگار (به همراه ۸۰۰ نفر خبرنگار نیمه وقت). تعداد خبرنگاران نیمه وقت آسوشیتدپرس و یونایتدپرس مشخص نیست، اما به هزاران نفر می‌رسد. این خبرنگاران، کارمندان نیمه وقتی هستند که مقاله‌های خود را در مدت

زمان معینی ارائه می‌کنند. بسیاری از این افراد، در مورد کشورهای متبوع خود مقاله تهیه می‌کنند، با این حال، تعلیمات لازم در مورد سبک و ارزشهای خبری سازمانهای مربوط به آنها داده می‌شود. روی هم رفته، محتوای مقاله‌های خبرنگاران نیمه وقت و گزارشگران، قابل تمیز نیست. به علاوه، موقعیت گزارشگران غالباً طوری است که می‌توانند نقایص موجود در مقاله‌های خبرنگاران نیمه وقت را بر طرف کنند. شمار تخمینی خبرهای پخش شده، نشان دهنده ارقام بالایی است، ۱۷ میلیون خبر برای آسوشیتدپرس، ۱۱ میلیون خبر برای یونایتدپرس، ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار خبر برای خبرگزاری فرانسه، و ۱/۵ میلیون خبر برای رویتر. تعداد مشترکان و مشتریان روزنامه‌ها نیز نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۲ هزار روزنامه با خبرگزاری رویتر مرتبطند.

اگر چه این ارقام تخمینی، بازگو کننده حقایق زیادی است. اما از این طریق هم نمی‌توان به میزان نفوذ و تأثیر تصاویر جهانی که خبرگزاریها پخش می‌کنند، پی برد. چرا که تمام روزنامه‌های عمده، و نیز تمام شبکه‌های رادیو تلویزیونی و خبرگزاریهای دیگر (به ویژه آنهایی که در کشور خود به رقابت می‌پردازند)، و تقریباً همه دولت‌ها خود را از مشترکان خبرگزاریها می‌دانند. به علاوه، چهار خبرگزاری بزرگ همه روزه صدها عکس تهیه می‌کنند که آنها هم نظیر رویدادهای خبری، بر مبنای معیاری واحد، یعنی تأکید بر مقولات نمایشی و تعارضی، انتخاب می‌شوند. باید به خاطر داشت که از میان تمام رسانه‌های خبری، بیشترین سرمایه‌گذاری برای حفظ وضعیت موجود، از آن خبرگزاریهاست.

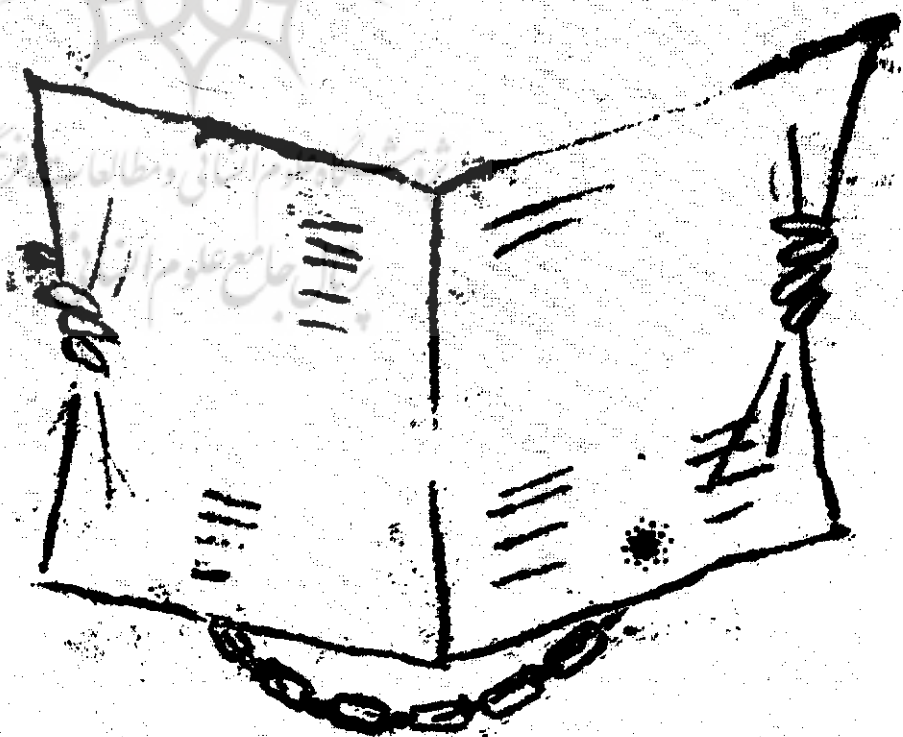
راجرتاتاریان، نایب رییس پیشین یونایتدپرس، با اقرار به نابرابری در روند خبرها، معتقد بود که گزارشهای تهیه شده، به‌طور ساده انگارانه‌ای بر تنشهای بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در برخی از محافل جهانی تأکید می‌ورزند و البته، آثار جنگ سرد در آنها به چشم

نمی‌خورد. علاوه بر این، وی می‌گوید: «در میان رسانه‌های غرب، تمایل مشهودی نسبت به تخصیص بیشترین میزان توجه به جهان سوم، به هنگام وقوع فاجعه، بحران، و برخوردها وجود دارد». در سال ۱۹۷۸، تاتاریان مطالعات و مشاهدات خود را در جلسه‌ای که در قاهره تشکیل شد، ارائه کرد. اما در آن زمان، او دیگر در استخدام یونایتدپرس نبود. و زمانی که مدیریت اجرایی این خبرگزاری را بر عهده گرفت، دیگر به بیان چنین اظهاراتی نپرداخت. در واقع، بعید است تا زمانی که روزنامه‌نگاری مشغول کار است، بتواند به معانی ضمنی تعریف خود از خبر پی ببرد. چنین شناختی، معمولاً بعدها حاصل می‌شود. باری، تاتاریان در همین ادعا نیز اشاره کرد که خبرگزاریها به فجایع، بحرانها و یا تعرضهای موجود دو جهان صنعتی نیز به همان اندازه توجه می‌کنند. این امر حقیقت دارد، اما باعث بروز اختلافهای جزئی میان منتقدان خبرگزاریهای جهان در حال توسعه، در مورد امکان تحریف گزارشهای داخلی جهان صنعتی می‌شود.

از میان تمام گرفتاریهای موجود در جهان در حال توسعه که به سبب حضور همه جانبه خبرگزاریها ایجاد شده است، هیچ یک دردناکتر از این واقعیت نیست که بیشتر خبرهایی که کشورهای در حال توسعه در مورد رویدادهای دیگر ملت‌های در حال توسعه دریافت می‌کنند، گرفته شده از همان چهار خبرگزاری بزرگ است. اگرچه این وضع تا حدودی جنبه تاریخی دارد، اما به طور عمده ناشی از این واقعیت است که تنها معدودی از خبرگزاریهای کشورهای جدید، منابع مالی یا سازمان (یا به تعبیر عملی‌تر «زیربنای») کافی برای اعزام خبرنگاران به سایر کشورها و دریافت گزارشهای خبری برای انتشار داشته‌اند. در نتیجه، آنچه معمولاً در خبرگزاریهای ملی در سرتاسر جهان در حال توسعه انجام می‌شود، امضای قرار داد با یک یا چند خبرگزاری بزرگ، و صرفاً پخش مجدد

گزارشهای خبری آسوشیتدپرس یا رویتر با امکانات داخلی است. خبرگزاری فرانسه یک موضوع خبری را از چاد گزارش می‌کند و این گزارش، در سنگال، وُلثای علیا و کامرون پخش، و در روزنامه‌های این کشورها منتشر می‌شود. خبرگزاریهای ملی هم اکنون در ۱۲۰ کشور فعالیت می‌کنند و فقط حدود ۴۰ کشور خبرگزاری ملی ندارند. از میان این خبرگزاریهای ملی، تنها معدودی از آنها خبرهای خارجی را به طور مستقیم پخش می‌کنند. خبرگزاری خاورمیانه در مصر، گزارشهای خود را به طور مستقیم به ۱۱ کشور عرب و بسیاری از کشورهای اروپایی می‌فرستد، اما طیف این گزارشها محدود است. خبرگزاریهای بسیاری از کشورهای آسیایی، خبرنگارانی را به خارج از کشور اعزام می‌کنند. خبرگزاریهای مرفقی چین، ژاپن، و هند را، خود این کشورها اداره می‌کنند. با این حال، دامنه فعالیت روزنامه‌نگاران آنها محدود است و مقاله‌های اصلی مجموعه خبری آنها را، خبرگزاریهای سرمایه‌دار تهیه می‌کنند. از میان ۲۵ کشور آمریکای لاتین، تنها ۱۲ کشور خبرگزاری دارند و از بین آنها، فقط شیلی و مکزیک دارای دفاتر خارجی مطلوب هستند.

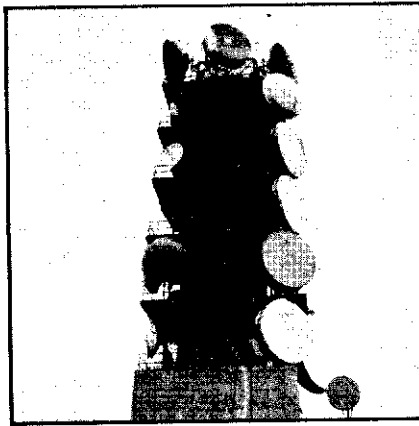
در چنین وضعیتی، مستفدان جهان سوم که نابرابری موجود در جریان خبرها را مورد بحث قرار می‌دهند، غالباً به گفته‌های کنت کوپر که از دست‌اندرکاران آسوشیتدپرس است، اشاره می‌کنند. کوپر از انحصار خبری که ضامن منافع رویتر است، اظهار نارضایتی کرد و در سخنان الهام بخش خود گفت: «آمریکاییها می‌خواهند دنیا را از پشت عینک خود مشاهده کنند، نه با عینک بریتانیا». به همین نحو، دی. آر. مانککار هندی که نخستین ریاست هماهنگی اتحادیه خبرگزاریهای غیر متعهد را برعهده داشت، می‌گوید: «خواست کشورهای غیر متعهد، صرفاً این است که آنها نیز بتوانند دنیا را نه از پشت عینک رسانه‌های خبری غرب، بلکه از دید خود نظاره‌گر باشند».



اتحادیه خبرگزاریهای غیر متعهد، بیانگر یکی از دو تلاش عمده انتقادگران از چهار خبرگزاری بزرگ، برای اصلاح نابرابری موجود است. این اتحادیه، در ژانویه سال ۱۹۷۵ تأسیس شد. یک دهه پیش از این، یعنی به سال ۱۹۶۴، *اینترپرس سرویس (آی بی اس)*^۶ تأسیس شده بود. اگرچه هیچ کدام از این خبرگزاریها، اعتبار زیادی در جهان صنعتی کسب نکردند، اما هر دو، چه از نظر کیفی، و چه به لحاظ اعتبار، مسیر ترقی را در میان کشورهای در حال توسعه پیموده‌اند. در واقع، حرکتهایی که برای توسعه خبرگزاریهای پیشرفته محلی انجام می‌شود، در جزایر کارایب، آفریقا، آسیا و خاورمیانه تقویت و تحکیم شده‌اند. در تمام موارد، روحیه موجود در این خبرگزاریها، برخاسته از اشتیاقی است که نسبت به حذف موقعت‌انحصاری چهار خبرگزاری بزرگ وجود دارد. هر یک از این خبرگزاریهای جدید، عامل سودمندی در نظم نوین بین‌المللی شمرده می‌شدند.

اتحادیه خبرگزاریهای غیر متعهد، دست کم با در نظر داشتن مفهوم چهار خبرگزاری بزرگ، در حکم یک خبرگزاری نیست. حداقل از آن جهت که این سازمان، بودجه، هیئت مدیره و حتی اداره مرکزی ندارد و هزینه‌های لازم را برای مخابره‌های رادیویی، خود فرستنده گزارشهای خبری پرداخت می‌کند. در ابتدا، تمام مخابره‌های رادیویی با امکانات آژانس خبرگزاری یوگسلاوی، تانیوگ، انجام می‌گرفت، اما بعدها، نظام موجود به گونه‌ای تعدیل شد که امکان استفاده از دیگر خبرگزاریهای ملی و به طور عمده خبرگزاریهای تونس، مراکش، ایران، هند، و کوبا نیز برای این سازمان فراهم گردید. هم اکنون، تعداد اعضای اتحادیه، از ۲۶ عضو به ۵۰ عضو افزایش یافته است. اعضای این اتحادیه، از اینکه موجودیت سازمان تداوم یافته و به لحاظ کیفی و ابعاد، توسعه می‌یابد، ابراز رضایت می‌کنند. این اعضا، در اجلاس که

6. Inter Press Service (IPS)



در سال ۱۹۷۸ در جاکارتا تشکیل شد، به این نتیجه رسیدند که تا به حال ثابت شده است که این اتحادیه به مثابه «هوسی زودگذر» نیست، بلکه نیازهای بلند مدت جنبش غیرمتعهدها را برای دریافت گزارش رویدادهای جهان در حال توسعه از یک منبع دیگر، برآورده می‌سازد.

منتقدان، به اتحادیه خبرگزاریها اعتراض کرده و آن را قدری بالاتر از ابزار تبلیغاتی کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند که می‌تواند گزارشهای مطبوعاتی را از طریق شبکه اتحادیه به خارج مخایره کند. منتقدان جهان صنعتی، این استدلال را مطرح کرده‌اند که کیفیت نوشتاری در این اتحادیه آن قدر پُر آب و تاب است که تنها معدودی از روزنامه‌ها و یا بنگاههای خبرپراکنی، از مطالب فرستاده شده استفاده می‌کنند.

البته نوع خبرهای پخش شده این اتحادیه، تفاوت چشمگیری با خبرهای چهار خبرگزاری بزرگ دارد. به رویدادهای خبری منطقه‌ای چندان توجهی نمی‌شود، بلکه این رویدادهای اقتصادی، تغییرات اجتماعی، بازرگانی، و تجارت است که بسیار مورد توجه و علاقه‌اند. به علاوه، مقالات تهیه شده در این اتحادیه، طولیتر از گزارشهای مختصر و فشرده چهار خبرگزاری بزرگ است. روزنامه‌های ایالات متحده و سایر کشورهای صنعتی، محصولات و ستانده‌های اتحادیه را «غیر خبر» می‌نامند. این امر، مربوط به تعریف خبر می‌شود. چراکه کشورهای عضو اتحادیه، معتقدند که بخش عمده گزارشهای خبرگزاری بزرگ،

خبر نبوده، بلکه بر مبنای حس‌گرایی قرار داشته یا ابزاری است برای تشویق و تطمیع منافع اقتصادی مدل سرمایه‌داری. با آنکه اتحادیه گسترش یافته است، اما بعید به نظر می‌رسد که بتواند به عنوان منبع خبری روزنامه‌ها و بنگاههای خبرپراکنی کشورهای در حال توسعه، جایگزین چهار خبرگزاری بزرگ شود. طی فرمان به مناطق مختلف جهان در حال توسعه و در خلال گفتگو با روزنامه‌نگاران حرقه‌ای آن کشورها، متوجه شدیم که علاقه و اشتیاق چندانی نسبت به عملکرد کشورهای عضو اتحادیه وجود ندارد. اما این گونه طرز تلقی‌ها، ممکن است صرفاً انعکاس قدرت سنن و رسوم در جهان صنعتی باشد.

در هر حال، به نظر می‌رسد که مطبوعات کشورهای سرمایه‌داری، با خرسندی - ضمنی یا مستقیم - به این موارد می‌نگرند و شیوه‌های خبری کشورهای عضو این اتحادیه و به طور کلی جهان در حال توسعه را کسل کننده و یکنواخت و فاقد جاذبه می‌دانند. بیان یک مورد، شاهدی بر این مدعاست: در پاییز سال ۱۹۸۱، بن مکاپا که از سردبیران سابق روزنامه *دیلی نیوز* در دارالسلام بود، و در همان زمان، وزارت اطلاعات کشور تانزانیا را هم بر عهده داشت، در مراسم افتتاح یک دانشگاه مطبوعاتی جدید شرکت کرد و در نطق خود، دانشجویان را ترغیب کرد تا گزارشهای خود را در درجه اول، منطبق با واقعیت، و سپس جالب توجه تهیه و ارائه کنند. به گفته وی، مطالب روزنامه‌های ضعیف، خلاف واقع و کسل کننده هستند. گزارشی که از نطق مکاپا تهیه شد، در زمان مقتضی به خبرگزاریهای آلمان غربی راه یافت و در ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ تیتیر درشت *روزنامه فرانکفورتر الگمانیه* شد. در آن زمان، از قول مکاپا گفته می‌شد که «روزنامه‌های آفریقا - به جز چندتایی - آن قدر کسل کننده هستند که مخاطبان خود را به سوی رادیو بی بی سی سوق می‌دهند». ارنست لوتو مائز که، نویسنده *روزنامه*

فرانکفورتر، سخنرانی مکاپا را به عنوان نقطه شروعی برای اعتراض به کیفیت مطبوعات آفریقایی و سوسیالیستی، و تاختن به نظم نوین جهانی اطلاعات، مورد استفاده قرار داد. به هر حال، مائتزه که با قبول اینکه در زمینه پیشرفت مطبوعات جای سخن وجود دارد، چنین استدلال کرد که رژیمهای استبدادی، تنها کسانی هستند که از مقررات نوین اطلاعاتی بهره می‌برند. بنا به نوشته وی، این مقررات، منتهی به «فرسودگی آزاددهنده» ای شده و حکومت‌های سرکوب کننده را قادر به حفظ امتیاز انحصاری اطلاعات می‌کنند. وی گفت: «مردم کشورهای در حال توسعه، به ندرت متوجه این موضوع می‌شوند». خبرگزاری شوروی، تاس، تنها خبرگزاری جهان در حال توسعه است که چهار خبرگزاری بزرگ را به مبارزه‌ای جدی فرا می‌خواند. با این حال، روسها در مبارزه خود به طور کلی ناموفق بوده‌اند. البته سردبیران جهان در حال توسعه، گزارشهای مخابره شده تاس را اغلب با در نظر گرفتن گزارشهای آسوشیتدپرس یا خبرگزاری فرانسه تعبیر و تفسیر می‌کنند، اما با این همه، به ندرت پیش می‌آید که این گزارشها بدون اصلاح چاپ شوند، و البته بیشتر وقتها، اصولاً نادیده انگاشته می‌شوند. همان‌طور که اولی موامبوتوکولو، سردبیر روزنامه دیلی نیوز چاپ دارالسلام می‌گوید: «هنگامی که گزارشی از تاس روی میز می‌بینم و مطلبی را در مورد امپریالیسم آمریکا در آن می‌خوانم، آن را دور می‌اندازم». به گفته وی، خبرگزاریهای آمریکا واقع‌بین‌تر هستند. «درست است که مسئله تبلیغات وجود دارد، اما باید آن را کشف کرد». موامبوتوکولو در سخنانش که انعکاس احساسات بسیاری از سردبیران آفریقایی است، گفت که مشتاقانه آرزو می‌کند که خبرگزاریهای ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، حمله به یکدیگر را خاتمه دهند. وی گفت: «اگر آنان وارد جنگ شوند، فقط ما هستیم که لطمه می‌بینیم».

اینترپرس سرویس که سابقه فعالیت آن یک دهه پیش از اتحادیه است، به ویژه در آمریکای لاتین که پایگاه اصلی آن در طول بخش عمده مدت فعالیتش به شمار می‌رفت، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت. در اواخر دهه ۱۹۷۰، اینترپرس سرویس دامنه فعالیت خود را تا آسیا و آفریقا گسترش داد و ارتباط خود را با ۳۰ خبرگزاری ملّی جهان در حال توسعه تقویت کرد. این خبرگزاری، تا دهه ۱۹۸۰ مقام ششم را پس از چهار خبرگزاری بزرگ برون مرزی و تاس به دست آورد. اینترپرس به عنوان انجمن خبرنگاران آمریکای لاتین که مشتاق اصلاحات اجتماعی بودند، تأسیس شد، اما دیری نگذشت که فعالگرایی سیاسی خود را به نفع آنچه که روبرت ساویو، مدیر کل ایتالیایی آن «روزنامه‌نگاری جایگزین» می‌نامید، کنار گذاشت. رویکرد این خبرگزاری، در جهت افقی است نه عمودی. به عبارت دیگر، ساویو روش خبرنگارهای برون مرزی و تاس را مبنی بر اینکه خط سیر خبری لزوماً باید از بالا به پایین، یعنی از روزنامه‌نگار به خواننده باشد، رد می‌کند و به جای آن، فراگرد افقی - مبادله اطلاعات میان افراد، گروه‌های اجتماعی، و ملت‌ها - را پیشنهاد می‌کند. اینترپرس سرویس گام‌های عمده و مؤثری در این راه برداشته است. آل هستر، محقق‌تی که محتوای گزارشهای این خبرگزاری را به دقت مورد بررسی قرار داده است، نتیجه می‌گیرد که: «اینترپرس سرویس در واقع شقّ دومی از خبرگزاری مطبوعاتی است که اساساً در خدمت کشورهای جهان سوم است و محتوای خبرهای آن، به طور عمده در مورد جهان سوم و یا مرتبط با وضعیت این کشورهاست». بیش از سه پنجم محتوای خبرهای بررسی شده اینترپرس سرویس، در گروه‌های اقتصاد و تجارت (۲۷ درصد)، روابط خارجی (۲۰ درصد) و سیاست داخلی دولت (۱۴ درصد) قرار می‌گیرند.

هستر تقریباً هیچ پوشش خبری در مورد فجایع، ورزش یا مشاهیر ندید. شبی از یک مبلغ را در روبرتو ساویو که خود را آرمانگرایی توصیف می‌کند که رؤیای جهانی دموکراتیک و رها از گرسنگی و قحطی را در سر می‌پروراند، می‌توان دید. برخی از تجربه‌های ساویو که حاصل تلاش وی در ایجاد یک خبرگزاری با ساختی دیگر است، موجبات ناراحتی خاطر او را فراهم ساخته است. در وهله نخست، وی متوجه شده است که جایگاه تعاریف قرار دادی خبر در ذهن روزنامه‌نگاران سر تا سر جهان، آن چنان نهادی و فطری شده است که مشکل می‌توان آنان - و حتی نویسندگان خبری اینترپرس سرویس - را ترغیب کرد که خط مشی خود را از تأکید بر آنچه که او «اخبار محلی، یعنی اطلاعاتی که می‌بایست تأثیری بر جای بگذارند تا در بازار موفق باشند» می‌نامد، جدا سازند. این بدان معناست که خبر باید جالب توجه و استثنایی باشد. ساویو در یک جلسه بین‌المللی که در تابستان ۱۹۸۲ در هلند تشکیل شد، گفت: «همان‌طور که در اصطلاح فنی می‌گوییم، خبر باید دارای جاذبه و هیجان باشد». از نظر ساویو، برای ایجاد نظم نوین صحیح، اصلاح نابرابری در جریان خبرها کافی نیست و پیشرفتهای زیربنایی هم باعث ایجاد چنین نظمی نمی‌شود. لذا مهمترین امر برای به وجود آوردن چنین نظمی، ایجاد تغییر در وسعت مرزهای بازار فروش روزنامه‌ها و بنگاههای خبرپراکنی است و برای به وجود آوردن چنین تغییری، گزینشگران - یعنی سردبیرانی که در انتخاب مطلب برای چاپ تصمیم می‌گیرند - باید تعبیر و تفسیر خود را از خبر تغییر دهند. ساویو می‌گوید معیارهای قراردادی، ارتباط چندانی با مسایلی خاص جهان در حال توسعه و «پرسشهای اساسی از قبیل گرسنگی، جمعیت، منافع، محیط، ساختارهای اجتماعی، یا فرهنگ که امروزه مورد توجه بشر قرار دارد» نمی‌یابد.